

هشدار در برابر

جنگ افروزی امپریالیسم

اظهاریه رفیق مائوتسه دن (۲۰ ۵۲۰ ۱۹۷۰) ایجاب نامه‌های تاریخ در افشا جنایات امپریالیسم امریکا و شرکا اوست که پرلر جنگ دوم جهانی هیچگاه از عبادت جنگ های تجارگاران بازنایسته اند . لشکرکشی ر اهزنانه به کوره کنگو لبنان ویتنام سن دمیگ و فیرو تمبیه ده ها کوردی ارتجایی و فاشیستی (نظیر کورتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ در ایران و کورتای سپتامبر ۱۹۶۵ در اندونزی) و ده ها نوظنه خونین دیگر گواه صحت و قوت این ادعاهاست .

اظهاریه رفیق مائوتسه دن ندای آماده باش در برابر تهاجم امپریالیستی است . امپریالیست ها هرآنکه که در تدارک جنگ جدید انداز صلح سخن میگویند و هرآنکه که دشمن خوش را آب میدهند افسانه خلع سلاح میخوانند . افغال خلق ها شرط مهم جنایتکاری امپریالیست ها است ، و امپریالیسم امریکا در این کار همدست نقیذ اری مانند روزبونیست های شوروی را که سالهاست بنام " همزیستی مسالمت آمیز " ، " جهان بدون سلاح و بدون جنگ " ، " جهان صلح پایدار " ، بغیر بخلاق مشغول اند . در اینجا است که صدای نیرومند رفیق مائوتسه دن طنین می افکند : " خطر جنگ جهانی جدید همچنان باقی است . خلق های کیتی باید برای آن آماده باشند . " رفیق مائوتسه دن در پی آموزد : از دوحا لخرج نیست . یا انقلاب از جنگ جلو میگیرد و یا جنگ باعث انقلاب میشود .

اما پیروزی با خلق های کیتی است . لنین کبیر میگفت : " امپریالیسم غولی است با پاهای گلین و رفیق مائوتسه دن میگویی " امپریالیسم امریکا قیافه غول دارد ولی در واقع چیز دیگری جز ببر کاغذی نیست و تو می دانی در تلاش است . "

رفیق مائوتسه دن پیشوای خلق چین رهبر پرلناریا و خلق های جهان پشتیبانی سجدانه خود را از اعلامیه مشترک سران خلق های هندوچین و از ولت جبهه واحد ملی کامبوج اعلام میدارد و اطمینان میدهد که " خلق های سه گانه " هندوچین با تحکیم وحدت خویش با پشتیبانی رکنک متقابل یکدیگر با پاینداری در جنگ توده ای طولانی خواهند توانست بر همه دشواری ها غلبه کنند و پیروزی کامل بدست آورند .

رفیق مائوتسه دن تاکید میکند که " گرایش صد ه در جهان امروز انقلاب است " وند امیرند : " خلق های جهان برای برانداختن تجارگران امریکائی و چاکران آنها متحد شوید " اظهاریه رفیق مائوتسه دن الهام بخش همه خلق های جهان و از آن جمله خلق کشور ماست . کشور ما در اثر حکومت چاکران امپریالیسم که محمد رضا شاه در رأس آنها قرار دارد به پایگاه اقتصادی سیاسی و نظامی امپریالیسم ویژه امپریالیسم امریکا بدل شده است . امپریالیسم امریکا رژیم کودتا را برای سرکوب جنبش انقلابی خلق ایران و سایر خلق های خاورمیانه مسلح میگرداند و در این اندیشه است که رژیم کودتا در جنگ جهانی آینده در رگبوی شمشیر خواهد زد . قرارداد نظامی ایران و امریکا " مورخ ۱۹۵۴ " ۱۳۲۷) که از حلقه های تزجیر اسارت ملی ماست و هدف اساسی دارد : یکی حفظ رژیم کودتا و دیگر حفظ امپریالیسم امریکا در ایران . قرارداد مذکور از " منافع ملی " امریا - لیسم امریکا در ایران و از " مقاومت در مقابل تجار و مستقیم و غیر مستقیم " بر ایران سخن میگوید . " منافع ملی " امپریالیسم امریکا در ایران روشن است : استعمار ایران ، استثمار خلق زحمتکش ایران . هر نیروی ملی و دموکراتیکی که مستقیم یا غیر مستقیم از داخل یا از خارج با رژیم دست نشاندنه محم رضا شاه در تصادم افتد اقدامش در زبان امپریالیسم امریکا تجار نام دارد و در این صورت سطح طبق

سروته یک کرباس

سازمان امنیت را این بار به فتوی " مائوتیست ها نیاز افتاد " برای آنکه از یکسو ثابت کند که حتی " انقلابین " و " مائوتیست ها " هنگامی که در برابر واقعیت قرار میگیرند بناچار " انقلاب " شاهانه را نباید میکنند و از سوی دیگر اینگونه و ناموسا زد که آنهاست که خود را انقلابی و طرفدار مبارزه مسلحانه می نامینند در واقع مردمی جبین و زبونند . در سخن از انقلاب قهرآمیز دم شینند ولی آنکه که پای آرایش بیان میاید راه تسلیم بدشمن در پیش میگیرند . سازمان امنیت خیانت این فرومایگان را برجسته میکند برای آنکه در صفوف عناصر انقلابی و وفادار به مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتزلزل و آشفتگی پیدا آورد و آنها را از مبارزه متحرق و دلبر گرداند . هدف اساسی سازمان امنیت از این صحنه سازیتها مبارزه با افکار انقلابی و ویژه مبارزه با کمونیسم است . مبارزه با آن نیروی رشد یابنده ای است که نه تنها ثبات بلکه خیانت رژیم را هم تهدید میکند .

اما همانطور که انتظار میرفت بهره برداری از خیانت این عناصر در انحصار سازمان امنیت و شاه باقی نماند . روزبونیست های حزب توده ایران نیز فرصتی یافتند تا ناچاراً در نامه به مارکسیست - لنینیست ها و " پروان " اندیشه " مناسو بناتزنتس " و خیانت عناصری چند را دلیل حقانیت خود بشمارند . در گذشته روزبونیست ها " سازمان انقلابی " را که از همان آغاز لانه عمل روزبونیست و سازمان امنیت گردید و همچنین خطی کاسترستی آنرا " مائوتیست " نامیدند برای آنگاه با استفاده از انحرافات بیحد و حسابان ، اندیشه مائوتسه دن را در زیر حلمات خویش بگریزند . اکنون نیز خیانت نسبی چند از افراد این سازمان را وسیله حمله و هجوم به وفاداران مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوت قرار داده اند .

ارزیابی ما از " سازمان انقلابی " بر خوانندگان توفان پوشیده نیست . ما این سازمان را از روی خیانتی که افراد آن مرتکب شده و میشوند قنارت نیکمین همچنانکه ملاک ارزیابی ما از حزب توده ایران خیانت بهرامی ها ، یزدیها ، شریفی ها و دیگران نیست . ما " سازمان انقلابی " را از آنجهت مطروبی دانستیم که از همان آغاز بعلت انحرافات بغیره رصحه ؟

خود فروشی و خیانت عناصری فرومایه وسیله بدست سازمان امنیت در ابتدا به صحنه سازینهای تازه های پوز ارد . منظور از این صحنه سازینها اینست که از زبان این عناصر خود فروخته به مردم ایران وجهان اعلام دارد که " انقلاب شاهانه " جاییه اینان را در گرونی ساخته مناسبات فتودالی را از زوایای ایران برافکنده ، پهرای دهقانان زندگی نوی آفریده ، ایران را در شاهرای صنعتی شکرانی انداخته سیاست مستقل و ملی در پیش گرفته یا بطور خلاصه از ایران نیمه مستعمره و نیمه فتودالی کشوری و شرقی پیدا آورده است . اگر نیروهای انقلابی از ایران بیایند کشوری نیمه مستعمره و نیمه فتودالی سخن میزنند ، " انقلاب شاهانه " را جز تحکیم تزجیر اسارت خلق ما و تشدید غارت ثروت های سرزمین ما از جانب امپریالیسم تشدید استعمار و زحمتکشان میهن ما یا عبارت دیگر جز خیانت به مصالح و منافع خلق ایران نمیدانند گویا بخاطر آنست که از واقعیت دور آمار را اختیار ندارند ، در زندان به بررسی نتایج حاصل از " انقلاب شاهانه " ننشسته اند . هرکس که خود را در اختیار سازمان امنیت بگذارد و خدمت شاه خائن در آید بیکیبار از " عالم غیب " حقایق بر او پیکوف میگردد ، از " پندارهای واهی " بیرون میاید و بدنیای واقعیت فرومی افتد و آنگاه پیشوا نشانه میواند طی پیامی که انتشار آنرا از سازمان امنیت میخواهد " حقایق مکشوفه " را برای دوستان و دانشجویان بازگو کند و آثار به تسلیم در برابر رژیم دعوت نماید . خائسان همه را به کیش خود پندارد او گویا نمیواند که پیام سازمان امنیت و لولآنکه از دهان " نیکوواهی " بر آید پیام سازمان امنیت است و نفرت همگانی بدره آن . تقریرات و تحریرات تسلیم شدگان به شاه نشانه قرت حقانیت رژیم نیست ، نشانه ضعف و سوج بودن ادعاهای آن است .

در گذشته رجال سرشناسی مانند جانسون ، نیکسون ، پاد کورنی ، برزف ، کاسکین ، دروگ و . . . بوفور اقدامات رژیم " رهبری شاهنشاه " را ستودند و اکنون نیز می ستایند . پس چگونه است که سازمان امنیت اکنون دست بدامان افرادی خود فروش کفام زده است تا آنچه را که دشمن خلق ایران گفته اند با تفصیل بیشتری تکرار کنند ؟ دلیل آن روشن است :

دودشمن بزرگ خلق های جهان

و ضد لنفی در پیش گرفته اند . فعالیت آنها متوجه تلاش اردوی سوسیالیستی و پیمان ورشو است ، با نیروهای امپریالیستی همگام اند ، بصورت جانشینان سرکردگان آلمان هیتلری درآمده اند . . .

در هنگامیکه امپریالیسم (امپریالیسم امریکا و نیز انگلستان و فرانسه) بتجاوز به سرکوب به غارت و به چپاول آسیا ، آفریقا و آمریکای لاتین و حتی برخی از کشورهای اروپا مشغول است چین توده ای و حزب کمونیست آن را جانشین آلمان هیتلری قلمداد کردن بمعنای آنست که دشمن شماره ۱ سوسیال امپریالیسم روسیه ، امپریالیسم نیست بلکه سوسیالیسم و در درجه اول دشمنه سوسیالیسم یعنی چین است .

" تلاش پیمان ورشو " - دیرزمانی است که این پیمان بصورت رویشی برای سلطه سوسیال امپریالیسم روس برارای شرقی برآمده است ، همانطور که پیمان آتلانتیک شمالی تائیس کننده استیلای امریکا برارای غربی است .

" تلاش اردوی سوسیالیستی ؟ " - دیرزمانی است که خورشچف شماره ۱ و خورشچف شماره ۲ (برزف) همظارا ضعیف ترخود ، مانند مغولستان ، را ضای و ساده مستعمره خویش ساخته اند ، بسیاری از این کشورها را با شغال نظامی مدارم خود در آورده اند (مانند بلنارستان ، لهستان ، مجارستان و مغولستان) . برزف رومانی و سایر کشورهای بسته تهدید سیاسی و شانناز اقتصادی دست میزنند .

دروور " آلمان هیتلری " - باید بخاطر داشت که چک اسلواکی در عرض سی سال دربار درورد تهاجم قرار گرفته است : یک بار بوسیله هیتلر و بار دیگر بوسیله برزف .

وضعا برای استعمار خاطر " چپ فرید استالینی " شدتک میوشوم که استالین بچین شیوه هائی دست نزد پیروزه درور یوکو سلاری نیتیست .

بقیه در صغه ؟

ترجمه از هفته نامه " هومانیته " سن " نشریه مارکسیستها لنینیستهای فرانسه شماره ۴۱۸ ، ۱۹۷۰ - بتلخیصی

از ۱۸ مارس خلق کامبوج با دارو سته فاشیست و نژاد پرست لئون نول - سیریک ماساک که بوسیله اداره جا . سوسی امریکا براریکه قدرت نشاندنه شده در نبرد است . . . از ۲۰ آوریل دولت اتحاد ملی کامبوج که تحت حادرت سیانوک ، نیروهای انقلابی و میهن پست کامبوج را گرد آورده از طرف پیش از سی کشور ، از جمهوری توده ای چین ، تایلندی ، از یوکوسلاوی تا چین ، از کنگو تا جمهوری متحد عرب ، از کوبا تا کره شمالی و رومانی ، بر رسمیت شناخته است . ولی در این مدت تزارهای جدید سوسیال امپریالیست مسکوجه کرده اند ؟ آنها چند جمله ای در " پشتیبانی " از خلق کامبوج گفتند و نوشتند ، و چند دشمنی به نیکسون تار کردند . . .

اما دولت اتحاد ملی کامبوج با برسمیت نشناختند . سفیر آنها در فتومین بسم سیرید و همظارا نشی همچنان در بانک کرک ، کوالامپور و جا کارتا نشسته اند (باید گفت که شوروی در جا کارتا فقط دیپلمات ندارد ، از این نظامی نیز دارد که همراه با امریکائیها در کارزارهای ضد کمونیستی شمرکت میجویند) . . .

معدلت تزارهای جدید سوسیال امپریالیست مسکویکار نشسته و با بتکار سیاسی مهمی دست زده اند باین معنی که کارشناسان دروغ پرانی آنها با هم بانوشتن مقاله ای در روزنامه " پرودا " (۱۸ ماه) ، آتش خویش را متوجه جمهوری توده ای چین ساخته اند . هرچه وضع داخلی و بین المللی اتحاد شوروی سوسیال امپریالیستی وخیزتر میشود مدعیات دارو سته رهبریش هذیان آمیزتر میگردد . . .

پرودا مینویسد : " رهبران یکن سیاسی ضد تودا

درو دپرشور و افترخار بر زندانیان سیاسی

سروته يك گرياس بقیاضصفحه . آید ثورولیک سیاسی و تشکیلاتی خود و بملت نفوذ غفال دشمن در مقامات بالای آن در خدمت ریزیونیت ها سازمان امنیت قرارداد شد .

" سازمان انقلابی " با آنکه چپ و راست از اندیشه مائو در میزند در واقع آلتی است در دست ریزیونیسیم و ارتجاع بر ای مبارزه با مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوسه دون ، برای جلوگیری از احیای حزب طبقه کارگر و جلوگیری از مبارزه با ریزیونیسیم و سوسیال امپریالیسم . دشنام ها ، اتهامات و تشکی های آن علیه سازمان توفان تضاد فی نیست . و باید از معائن کرد که این سازمان در انجام وظیفه ای که بد و محول گردیده نهایت کوشش را بکار برده است و با ایدئولوژی سیاستونیسیم تشکیلاتی ضد انقلابی خود تاکنون خدمات شایانی به ریزیونیسیم و ارتجاع کرده است . پیوستن افرادی از این سازمان به دشمن نخستین خیانت این سازمان نیست ، آخرین آن نیز نمی باشد .

اما معلوم نیست کجای خیانت افرادی از این سازمان دلیل حقانیت ریزیونیت ها و نشانه وفاداری آنها به مارکسیسم - لنینیسم است ؟ مگر نه ایست که این افراد به تکرار همان حرفی هائی پرداخته اند که ریزیونیت های ایرانی و ایرانیان سوسیال امپریالیست آنها گفته اند ؟ این آقایان گویا گفته ها و نوشته های خود و ایرانیان خود را بدست فراموشی سپرد اما این و لذا جا دارن که با یادآوری هائی چند ، آنها را از عالمسیا بیرون کنیم .

نخست به یهیم افرادی که خیانت کرده و از روی دشمن پیوسته اند چه گفته اند و چه نوشته اند .

یکی از آنها از " تحولات عظیمی که در روسای ایران و در امر صنعتی شدن کشور بوقوم پیوسته " سخن میزند . دیگری بر آنست که " در ایران همه چیز در گرونی یافته است راه مستقل و شرقی ایران بدون اتکا به شرق یا غرب و با همزیستی با هر دو به ساختمان زیر بنای اقتصادی " توجه دارد . و مناسبات سیاسی و اقتصادی گسترده ای پدید آور گشته است . نظام ترین وسطائی کهن فروریخته و روابط و ابزار جدید تولید جایگزین آن شده است . " ... طرحهای بسیار شرقی چون فرهنگ بهداشت برای همه و تامین اجتماعی در شرف پیاده شدن است .

" ... حرکت بسوی صنعتی کردن کشور بیگانه علیه بیسواری ، شرکت زنان در امور اجتماعی ، گسترش فرهنگ بهداشت . . . اتخاذ سیاست مستقل ملی . . . بیگاریستن همزیستی مسالمت آمیز حوادثی جز اینها که در تاریخ معاصر مبین ما نمونه ای همانند نمیتوان یافت . "

" پیشک نقطه عطف این حرکت تاریخی را ششم بهمن ۱۳۴۱ می باید بشمار آورد . "

" نخست شاهنشاه را سیاس میباید گفت که با بدعتی در خور زمانه . . . رهبری اموز را بدست گرفتند و حصار برین راگه بین ایشان و ملت جدائی می انداخت از میان برداشتنند . "

این یابو سر ائی ها بدون شک خیانت به خلق است . ستایش شاه و استعمال زین است . مداح و چاپلوسی ننگی است در این ارزیابی نمیتوان با بلند گویان ریزیونیت های ایرانی همزمان وهم آواز تیرد . لیکن این یابو سر ائی ها همان است که ریزیونیت ها خود سالها است بطور صریح یا در برده بخور مردم ایران میدهند . این حقیقت دیگر بر کسی پوشیده نیست معذالک برای مقایسه یادآوری پاره ای از درافتائی های آنها لازم است :

" بطوری که اطلاع دارید طبوعات شوروی و رادویی شوروی که مبین عقاید و نظریات جوامع ما میباشد در اصلاحاتی که از طرف علیحضرت شاهنشاه اعلام گردید مخصوصا چنان اصلاحاتی که با منافع قشرهای وسیع سکه مربوط است مانند اصلاحات ارضی ، تفریحی حقوقی زنان و غیره حسن استقبال میکنند مردم شوروی درک میکنند که اجزای اقدامات با مشکلات معینی همراه است و در این مورد نیز بطور اجتناب ناپذیر ترین کهنه و نوتضاد بوجود میآید . میتوان پیش بینی کرد که عملی ساختن اصلاحاتی که بی ریزی شده تاثیر مثبتی در ارتقاء سطح زندگی مادی و فرهنگی مردم ایران خواهد بخشید . " (از جسیف شوروی در ۱۳۴۲)

" جوامع شوروی با علاقه خاصی مراقب اقدامات دولت

ایران در زمینه ترقی و پیشرفت اقتصادیات و کشاورزی و نیروهای تولیدی ایران میباشند . مهمترین قدمی که در این زمینه برداشته شده اصلاحاتی است که در سالهای اخیر در ایران انجام میگردد و هدف آن عیارتست از بهبود وضع دهقانان و واکداری تساری حقوق بزنان که هم اکنون فعالانه در حیات اجتماعی ایران شرکت میجویند " (از دبیر حزب " کمونیست " اتحاد شوروی) .

" در سایه توجهات مخصوص علیحضرت شاهنشاه ایران پیشرفتهای سریع و بسیار رهبری در ایران مشاهده میشود . " در ایران انقلابات اصلاحاتی ارضی بدون خونریزی صورت گرفت و این موفقیت قبل از هر چیز نشانه خرد مندی شاه ایران است " (از روزنامه نگار شوروی ۱۳۴۵)

" در اتحاد شوروی سیاست خارجی ملی مستقل ایران را محترم میشمارند " (از نخست وزیر شوروی ۱۳۴۷)

" نقش شاهنشاه در مسیر گردانیدن برقراری مناسبات حسن همجواری بین ایران و شوروی " رهبری خرد مندانه شاهنشاه است که انگیزه اقدامات مهمی در سالهای اخیر در جهت تحکیم و توسعه وضع اقتصادی گردید . و سیاست خارجی ایران و نقش همزیستی مسالمت آمیز آن . . . درخور همه گونه تجسید است " (از روزنامه شوروی ۱۳۴۸)

" همچنین افتخار میکنم که درود های خود را تقدیم ملت ایران ، تمام که تحت رهبری شاهنشاه آریامهر به اصلاحات اجتماعی و اقتصادی عظیم بمنظور ایجاد یک اقتصاد عظیم و یک صنعت نوین در کشور و ریشه کن کردن بیسواری و پیشرفت اجتماعی زنان شده است " (از رئیس جمهور بلغارستان) .

" انقلاب ایران کاملا تحقق یافته است و این انقلاب دیگر ثنوری نیست بلکه مردم ایران در روز شانزدهم ۲۷ ژانویه ۱۹۶۳ (همان ششم بهمن ۴۱ - توفان) بدان رای موافق دادند و اکنون نام افتخار آمیز انقلاب شاه و مردم یا انقلاب سفید را پیدا کرده است " (از مطبوعات لهستان) .

" شاهنشاه یک هدف اصلی که منظور آن بهبود وضع اجتماعی و اقتصادی ملت ایران است برای خود تعیین نموده اند . . . و رئیس سازمان برنامه شوروی بسایساکوف ضمن مسافرت اخیر خود بایران خاطرنشان ساخت : طی دو سال اخیر کشور ایران خود را از قیود اقتصادی دول سرمایه داری رهائی داد است " (رادیو پسرک آبان ۱۳۴۸)

" اصلاحات ارضی . . . با افزایش نسبی علاقه دهقانان به شراکتار خود در تسریع و تسخیر سرمایه داری در ده امکانات بیشتری برای رفاه دهقانان و رشد اقتصاد روستائی فراهم می آورد . " (از مجله دنیا ارگان ثورویک سیاسی حزب توده ایران)

ایران " اکنون کشوری صنعتی ، کشاورزی است یعنی امروز اقتصاد ایران در مقام اول است نه کشاورزی " (مجله دنیا) .

" تولید گره کشاورزی بتدریج مقام اول خود را به تولید گره صنعتی میدهد . " برنامه پنجساله چهارم گام مهمی در جهت صنعتی کردن کشور است . " اشتباه خواهد بود اگر بجهت مثبت تحولی که در اینجهت در کشور ما روی میدهد توجه لازم نشود یا به آن کم بها داده شود " (مجله دنیا) . در جای دیگر از " استقلال سیاسی ایران گفتگو میشود که گویا با ادامه وابستگی اقتصادی آن به امپریالیسم در تضاد افکار است " (مجله دنیا)

اینها است شهای از آنچه که ریزیونیت های خودی و بیگانه در باره شاه رهبریش و اصلاحاتش سروده یا برشته تحریر در آورده اند . یک نظر ولو سطحی به ارزیابی ریزیونیت نیست ها از شاه و وضع ایران بروشنی نشان میدهد که نیکخوا و گروه خائن او جز تکرار گفته های ریزیونیت ها کاری نکرده اند نیکخواه از انقلاب مسالمت آمیز سخن میراند " چرا که در خونریزی فی نفسه قضیاتی نیست " (البته منظور خونریزی شاه و طبقات حاکمه نیست چون نیکخواه در آن قضیاتی بسیار بی بند و آنرا تایید میکند) ، ریزیونیت ها نیز از مسالمت آمیز انقلاب را برگزیده اند .

نیکخواه از تعبیر مضحک " محدودات جغرافیائی سرمایه " نتیجه میگیرد که باید درهای کشور را برای سرمایه های خارجی باز گذاشت ، ریزیونیت ها نیز بر آنند که " ما با هر دولتی که به تکامل نیروهای مولده در کشور ما کمک کند ما با این عمل آن دولت موافقیم " (مجله دنیا)

نیکخواه از همزیستی مسالمت آمیز میان شرق و غرب و

حتی در داخل کشور میان طبقات گفتگو میکند . ریزیونیت ها هم همین را میگویند .

نیکخواه قیام دلیرانه مردم ایران را در هفته خونین مرد ۲۱ یک چرخش زبان بشیروانه محکوم و شاه را در کشتار هزاران مردم بیگناه تبرئه میکند . ریزیونیت ها نیز چنین کردند .

میبینید که مواضع اساسی گرومخائنین در ست همان مواضع ریزیونیتهاست . ریزیونیتها که نیکخواه را بگرا ن باخانی میخوانند اگر بوشی از درستی و درستکاری برده باشند باید به خیانت خود در قبال خلق ایران اعتراف کنند . اما آنها صحنه سازی سازمان امنیت را وسیله فرار میدهند برای آنکه خیانت خود را در زیر خیانت دیگران بپوشانند . از آنهم بشیروانه تر خیانت دیگران را دلیل حقانیت و نشانه وفاداری خود به مارکسیسم - لنینیسم بحساب میآورند . به این شیوه عمل چه نامی میتوان داد ؟ اما نه مردم ایران آن اندازه از لحاظ سیاسی ساده لوح اند که روش روزمره ریزیونیت ها را در قبال شاه ، اصلاحات و تثنی و سیاستش نیندند و نه با هیچ شعبده های عیوان ریزیونیسیم و ایورونیسم را سبعا و جلوه مارکسیسم - لنینیسم بخشیدند . ریزیونیت ها محکوم تاریخ اند .

هشدار در برابر . . . بقیاضصفحه ماده ۱ قرارداد - امپریالیسم امریکا " اقدامات مقضی را که شامل استفاده از نیروی نظامی خواهد بود " بعمل خواهد آورد . باین طریق قرار داد مذکور رسماً با امپریالیسم امریکا امکان میدهد که در هر فرصتی خواه بمناسبت اوج نهیخت انقلابی ایران و خواه به مقتضای جنگ جهانی بعداخله مسلحانه در ایران بهر در زمره مداخله مسلحانه ای نظیر آنکه در ویئتنام جنوبی و کابوچ و غیره صورت گرفت .

چندی پیش از احضار قرارداد نظامی ایران و امریکا روزنامه منجستگار دین (۱۷ فوریه ۱۹۵۹) نوشت : در جلسه شورای وزیران پیمان بغداد (امروز ستون ترکیه و پاکستان و ایران) نه فقط برخلیه تجاوز کونیستی بلکه همچنین برخلیه حمله دشمنان محلی خود تضمین میخواستند . مثلاً ایران از حکومت جدید عراق بسیار بیم دارد و طبق بعضی خبر ها نخست وزیر ایران ضمناً میخواهد با او در امریک انقلاب داخلی تضمیناتی داده شود . . . و این " تضمینات " بصورت ماده ۱ یکم قرارداد نظامی ایران و امریکا درآمد . . .

در آن روزگار روزنامه " پراودا " (۶ دسامبر ۱۹۵۸) نوشت : قرارداد نظامی ایران و امریکا " کشورهای همسایه ایران را مستقیماً در معرض خطر قرار میدهد . . . این بهیچ وجه مسئله داخلی دولت ایران نیست . . . (این قرارداد) صلح و امنیت را در سراسر خاور نزدیک و میانه تهدید می نماید " اما امروز با آنکه قرارداد نظامی ایران و امریکا بیش از هر زمان بقوت خود باقی است مرز ایران و شوروی - طبیعاً اظهارات نمایندگان ریزیونیسیم شوروی - بصورت " مرز صلح و دوستی " درآمده است . زیرا که سازش سوسیال امپریالیسم شوروی بسا امپریالیسم امریکا به مرحله تکامل رسیده و قرارداد اسی که " صلح و امنیت را در سراسر خاور نزدیک و میانه تهدید می نماید " امروز حافظ منافع مشترک ریزیونیسیم و امپریالیسم است .

خلق ایران با امپریالیسم امریکا و رژیم محمد رضا شاهی مصاف بسیار داده ، ناگامی ها دیده و تجربه ها اندوخته اند . علی رغم دشواری ها ، علی رغم خرابکاری ها عمال ریزیونیسیم و جاسوسان سازمان امنیت ، علی رغم زیانکاری های مظاهران بسه مارکسیسم - لنینیسم ، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران در هرصه کشور ما تشکیل خواهد شد ، جبهه واحد ملی و دموکراتیک را رهبری خواهد کرد و آن را در جنگ توده های طولانی بر امپریالیسم امریکا و رژیم محمد رضا شاهی پیروز خواهد ساخت . خلق ایران در هیچ جنگ تجاروکارانه شرکت نخواهد جست و هرچه پیش آید پیوسته با تمام قوا از جمهوری توده ای چین - این دژ نیوسوند سوسیالیسم ، از جمهوری توده های آلبانی ، این نورافکن سوسیالیسم در اروپا ، از خلق های انقلابی آسیا ، آفریقا و امریکای لاتین و نیز از خلق های رزنده اروپا و امریکا دفاع خواهد کرد .

خلق ایران قرار داد نظامی ایران و امریکا را قرارداد ای راهزنانه و بی اعتبار اعلام میدارد . استواران اتحاد خلق های جهان برای برانداختن تجاروکاران امریکائی و بیچارگان آنها .

گسترش و پیروزی انقلاب و وابسته به وجود حزب انقلابی پرولتری است

دو دشمن بزرگ خلقهای جهان بقیه از صفحه ۱
حالا آقایان رهبران روزینویست، بگوئید که چه کمائی
جانشین هیتراند.

پراودا همچنین مینویسد: "سالیهای مدیدی است که
رهبران چین در آسیا سیاست اخلاخل در رژیم های شرقی و ایجا
تصادم بین دولت ها دست زده اند و میگویند که مبارزه
نجات بخش ملی خلق های این سرزمین را از متحدان مطلقین
آنها یعنی از ممالک اروپای سوسیالیستی و از نهضت کمونیستی
و کارگری بین المللی منفره گردانند."

ولی آن کیست که با رژیم های پوشالی تاییلاند، بیرهه
مالزی، اندونزی و غیره و با مرتجعان هند روابط سیاسی و
اقتصادی برپردارد؟ آن کیست که درباره مبارزه انقلابی
سلاحخانه خلق های این ممالک، مبارزه ای برپه ای اجزای ب
کمونیست مارکسیست - لنینیست آنها، سکوت اختیار میکنند؟

رهبران سوسیال امپریالیست شوروی
آن کیست که با چانگایک پوشالی که در پناه سوسیرو
در ریاتی امریکا به تایوان پناه برده به تباتی مشغول است؟
آن کیست که اسرائیل را در گذار "محکوم میکند" ولسی
علا با دفاع از قطعنامه استعمار ۲۲ نوامبر ۱۹۴۷ شورای
امنیت سازمان ملل بنی بر واگردا اری فلسطین به صهیونیست
هاعلاشتنیان صهیونیستهاست وعضا از فرصتسافدار میکند
که "منطقه نفوذ جدیدی برای خود در خاورمیانه بدست آورد."

سوسیال امپریالیسم روس!
حالا آقایان رهبران روزینویست، بگوئید که چه کمائی
دشمن مبارزه نجات بخش ملی خلقهای آسیا هستند؟

پراودا همچنین مینویسد: "رهبران یکن مسئولیت شکست
و ناکامی عده ای از نهضت های نجات بخش ملی را در آسیا
و افریقا... برعهده دارند..."

ولی مسئول سرکار آمدن قدران در برزیل، پاپا دیولس
در یونان، مسئول اندام ده ها هزار کمونیست و سرتی در ایران
عراق و کنگو کیست؟ کیست که خلق زحمتکش این کشورها را از
لحاظ ایدئولوژیک در برابر دشمن خلق سلاح کرد؟
آن کیست که نیروهای مشغول جنگ سلاحان را در روز
تسلا، گراتالا و بلوی در سیبویه نبرد گرفتار اشعابساختا؟

سوسیال امپریالیسم روسیه! دست نشانده کانتش
آن کیست که به همراه اداره جاسوسی امریکا زئوال های
فاشیست را در اندونزی به کودتا تشویق کرد و در عین حال
کوشید که حزب کمونیست اندونزی را به اتخاذ راه مسالمت آمیز
وادارد (و متاسفانه بدون موفقیت هم نبود)؟ آن کیست که
با این طریق در کنتار قریب یک میلیون کمونیست و شرقی اندوگژ
هدمتی داشت؟

سوسیال امپریالیسم روس!
وی نیلیاردها رول اعتبار و اسلحه بهر رژیم ارتجاعی
زورگو و وحشی و فرمانبرار امپریالیسم که در روی زمین وجود دارد
بذل و بخشش کرد.
حالا آقایان رهبران روزینویست، بگوئید که چه کمائی
برانگیزنده ضد انقلابیاند؟

پراودا! همچنین مینویسد: "سراسر سیاست داخلی و
خارجی یکن که ناشی از تمایلات تسلط جوانیه رهبران آنست،
همچنین کلیه فعالیت های ضد شوروی آنان به امپریالیستها
نشان میدهد که یکن قصد ندارد همراه شوروی و سایر کشورهای
سوسیالیستی با اقدام بر علیه تجاوز امریکا دست بزنند..."

ولی آن کیست که با توطئه در راه سرنگونی رژیم دوس
کراتیک توده ای آلبانی وحدت کشورهای سوسیالیستی را در هم
شکست؟
آن کیست که هم اکنون در چین با امپریالیست های امری
یکائی بذاکره درباره انعقاد قرارداد محدودیت تسلیحات
استراتژیک مشغول است و در عین حال دیگران را (و نه فقط
چین را) با اسلحه گستاخیهی خوشنمید میدمکند؟

سوسیال امپریالیسم روس!
چین توده ای بنامیت تهاجم امپریالیسم امریکا بسر
کابوچ مذاکرات در جانیه ای را که پی از کفرانس ژنو با امریکا
دنبال میکند طوع کرد و با هیچیک از کشورهای مهاجم بر

قطعنامه... بقیه از صفحه ۱
انضباطی آهنین زنداگان برلنایائی.

* سازمان انقلابی به کار ایدئولوژیک و سیاسی توجه
نداشت و اساس کار خود را بر صحبت های درگوشی نهاده بود.
مدتها از انتشار روزنامه امتناع میورزید و مناظره سیاسی و از
آن جمله مبارزه با روزینویسم را امری بیپوده و دست یاکیسر
و غیر انقلابی و مانع اقدام جنگ پارتیزانی بشمار می آورد. بعد از
در اثر گردش خوانات و مخصوص در اثر مبارزات ایدئولوژیک و سیاسی
سازمان تیروفشان، ناچار نشد به برخی از مناظرات سیاسی دست
بزند ولی اساس کار خود را بر این دوره نیز روشنگری ایدئولوژیک و
سیاسی نبود بلکه نظاره روزینویست به کلیت مارکسیسم لنینیسمی
اندیشه مائوتسه دون و چلواگری از پیشرفت مبارزات سازمان
توسفان بود. کار ایدئولوژیک و سیاسی هرگز بصورت وظیفه
مستمر و منظم سازمان انقلابی در نیامد و هرگز از مضمون ذهنی
و ضد مارکسیستی - لنینیستی تهی نشد.

* سازمان انقلابی بعلت مشی کاستریستی خود با این
حقیقت مارکسیستی - لنینیستی که "سیاست باید در
مقام فرماندهی باشد" و "حزب بساید به تفنگها فرمان
دهد" معتقد نبود و می پنداشت که هرکس تیرانداختن و جنگیدن
بلد باشد پارتیزان خوبی است و جنگ انقلابی میتواند با چنین
پارتیزان هایی آغاز شود و به پیروزی برسد. این پنداریسا
رفت افسارگسیخته تظاهر و لافگرا فداوم شد و باعث گردید که
سازمان انقلابی هرماجراجو و رهبریکاره را برای جنگ پارتیزانی
انتخاب کند. امری که سرانجامی جز رسوائی نمیتوانست داشته
باشند.

* هیچ اصل تشکیلاتی در "سازمان انقلابی" مراعات
نمی شد. کار تشکیلاتی "سازمان انقلابی" بر اصل مارکسیستی -
لنینیستی مرکزیت دموکراتیک مبتنی نبود بلکه بر فراسویونیسیم
تکیه داشت. چندان نفر در رهبری سازمان کارها را از طریق غیر
تشکیلاتی در دست خود متمرکز کرده بودند. ارگان رهبری به
معنای حقیقی وجود نداشت. اطلاعات نادرست و مفرضانه
به سازمان داده میشد. کفرانسهائی که تشکیل میگردد نظام
هری بچین بود. افراد بر اساس ممالک های عینی انتخاب نمی
شدند. تصکیبات در خارج از جلسیات و در اثر نجاوهای فتنه
انگیزانه اتخاذ میشد. تهدید و تطمیع افراد امری رایج بود.
خون تازه جریان نمی یافت. خون فاسد تمام رنگ و ریشه سازمان
انقلابی را فراگرفته بود.

* سازمان انقلابی باندازه خروشچف به توده های
اعتقاد بود و می پنداشت که برای همیشه میتوان بر مردم دروغ
گفت و مردم را برای همیشه در دام دروغ نگه داشت. در روگوشی
شایع پرارگی، اتهام زنی از شیوه های اساسی "سازمان انقلابی"
بود. بدیهی است که این شیوهها نه فقط با مارکسیسم -
لنینیسم و مشی توده ای بلکه با هیچ جریان شرقی اجتماعسی
سازگار نیست و عاقبتی جز عاقبت خروشچف و گولاز بهار نیامد
همه این عوامل باعث شد که "سازمان انقلابی" از روز

شاه و شرم

شاه در جواب خبرنگار مجله اکسپرس که از او درباره
"رهبران محلی" یعنی رهبران خاورمیانه و بویژه عراق نظر
خواسته چنین گفته است:

"متاسفانه برخی از آنها که حساب بانکی قابل ملاحظه
در خارج دارند بجزد اینکه با اولین مشکل روبروشوند جنای
وطن کرده راهی خارج خواهند شد."

حالا وقایع ۲۵ مرداد و فرار شاه را بخاطر بیایورید
و به بیتیکه که شاعر چه خوب گفته است:

یک قطره ز آب شرم یک دره حیا

در چشمش درخشید خدای داناستم بکنیست

نخست هسته شکست را در رون خود داشته باشد.
هیئت مرکزی سازمان مارکسیستی - لنینیستی توسفان
از پدیده های منفی فوق درس میگیرد و با این مناسبت تاکیدی
بر مراتب زیرین را ضروری میشارد:

* سازمان توسفان یگانه سازمان مارکسیستی - لنینیستی
ایران است. این سازمان است که حزب طبقه کارگر را در
ایران احیا خواهد کرد. تمام نیروی خود را در راه گسترش و تقویت
یت سازمان توسفان بکار بریم. وحدت سازمان توسفان را
مانند مردمک چشم گرامی داریم. به حفظ و تحکیم آن همت
بگذاریم. در هر جا و هر مقام که هستیم از هرگونه عملی که به
این وحدت زیان برساند اجتناب ورزیم.

* فعالیت ایدئولوژیک و سیاسی را چه در داخل و چه
در خارج از سازمان گسترش دهیم. بگوئیم که مارکسیسم -
لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون هرچه بیشتر باجان گذارها
و اعضا سازمان توده ها آمیخته کرد. مبارزه با روزینویست
را خواه در عرصه تئوری و خواه در عرصه فعالیت روزانه سیا
سی و اجتماعی تقویت کنیم.

* با تبلیغات سفیسطه آمیز و تفرقه افکن و یاس آوری و
یونیت ها و اعمال رژیم محمد رضا شاه پیوسته در بیگاریشیم.

* امپریالیسم امریکا و حکومت محمد رضا شاه را از لحاظ
استراتژی خوار بشمریم و محکوم بنابودی بدانیم. در نبرد بسا
آنها جرات انقلابی داشته باشیم ولی از لحاظ تاکیک از هر
گونه ماجراجویی بپرهیزیم. آماده نبرد طولانی باشیم و یک
نیایی های آسان و زود رس امید بنهیم.

* برهمنیای بیخفاقیم. بنهانگاری را بیش از پیش مراعات
کنیم. هرگز مسائل سازمان امنیت و روزینویست ها را جنسی
بر نفوذ و خرابکاری در سازمان توسفان از نظر دروند آریم.

* از سرور و بپرهیزیم.

سازمان مارکسیستی - لنینیستی توخان

هیئت مرکزی

تیرماه ۱۳۴۹

بیر کاغذی

"همه مرتجعان بیر کاغذی اند. مرتجعان پظاهر
هولناکند ولی در واقع چندان نیرومند نیستند.
اگر در این مسئله نگاهمان بآینده باشد خواهیم دید
که نیروی واقعا عظیم ما مرتجعان نیست، با خلق است."

مائوتسه دون

خلق های هندوچین رابطه ندارد.
اما رهبران سوسیال امپریالیسم روس کلیه مذاکرات
خویش را دنبال میکنند و با کلیه تجاوزکاران دارای انواع آز
طاتی هستند که بعد و در بیلمتیک محدود نمیشود.

در این صورت آقایان رهبران روزینویست، چه وحدت
علی میتواند بین شوروی سوسیال امپریالیست و چین سوسی
بین شما و ما موجود باشد؟
یک مثل فارسی میگوید: شریک در رفیق قافله نیست.

(۱) اشاره است به سرفاله شماره ۵ روزنامه توخان تحت
همین عنوان که بموقع خود در روزنامه "هوانتیه" نوبن ارگان حز
کمونیست (مارکسیست - لنینیست) فرانسه درج گردید.

عنوان مکاتبات
X GIOVANNA GRONDA
24030 VILLA D'ADDA/ITALY

حساب بانکی
X GIOVANNA GRONDA
CONTO 12470/11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO / ITALY

توفان در ترکیه

سرکوبی طبقات و نیروهای خلقی ترکیه عدار و بی باک است سرکوبی انضباط اخیر کارگران ترکیه کشتار چندین کارگر در استانبول از همین ماهیت ضد خلقی رژیم ترکیه سرچشمه میگیرد. رژیم ترکیه در اثر تشبیهات سازمان امنیت ایران میخورد در اختناق و ترور افکار بین ترکها و ایرانیان رعایت مساوات نماییست.

همکاری رژیم شاه با رژیم ترکیه در اقدامات ضد خلقی تنها منحصر به قتل کردن توفان نیست. اقدامات خونین و فاشیستی که در ماههای اخیر از طرف دولت ترکیه علیه کردهای ساکن آن کشور بعمل آمده در واقع همکاری رژیم ایران در سرکوب نهضت ملی خلق کرد بوده است. بنابراین خبصار موفقی که بنا رسیده جانیانی که اخیرا از جانب دولت ترکیه نسبت به خلق کرد صورت گرفته بی سابقه بوده است. جلادان حکومت ترکیه نه تنها مردم کرد آن کشور را به گلوله بستند بلکه آنها را بدفشانه شکنجه دادند بلکه حتی به زنان شکنجه جسمی و روحی وارد میساختند باین منظور که آنها خودشان شهروندان را شکنجه دهند و اگر از اینکار امتناع میکردند گلوله آغیه های ترک به قلبشان میشتافت.

رژیم شاه و رژیم ترکیه بدو رژیم پرورش یافته امپریالیسم امریکا هستند. امپریالیسم امریکا با حفظ این دو رژیم خلقهای ترکیه و ایران را اشیر خود ساخته است. هر دو این خلقها را به زنجیر پیما مرکزی و غیره بسته است. در مواقع لزوم یکی از این دو رژیم را وارد میسازد که به یاری رژیم دیگر بشتاید خلقهای ترکیه و ایران نیز باید در کنار یکدیگر در زیر پرچم انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی قرار گیرند. خلقهای ایران و ترکیه دو خلق برادرند و در مبارزه ضد امپریالیستی و دموکراتیک وجه مشترک دارند. ما از خلق برادر ترکیه انتظار داریم که به این احوال ارتجاعی دولت ترکیه شدیداً اعتراض کنند از مطبوعات شرقی آن کشور انتظار داریم که به افشا و موافق خاندانه رژیم محمد رضاشاه و رژیم ترکیه همت کارند. به کشتار بدفشانه خلق کرد در ترکیه اعتراض کنند و نگذارند که پرونده این جنایت ارتجاع ترکیه در پشت پرده سکوت پنهان بماند. خلق کرد در ترکیه به همدردی تمام خلق ترک نیازمند است.

ما همچنین از گپه نیروهای شرقی ترکیه انتظار داریم که توسط سازمان امنیت ایران را مبنی بر قتل کردن توفان در ترکیه عقیم کارند. و برای رساندن ماهنامه توفان بدست ایرانیان مقیم ترکیه باما همکاری نمایند.

بارها خوانندگان توفان در ترکیه شکایت کرده اند که ما ماهنامه بدست آنها نمیرسد و یا بطور نامرتب میرسد. یکی از چراغ ترکیه نیز خبر داده است که ماهنامه توفان از جانب مقامات دولتی ترکیه قفل شده است.

این امر تنها حاکی از ماهیت ارتجاعی حکومت ترکیه نیست بلکه نشانه همکاری نزدیک بین سازمان امنیت ایران و مقامات امنیتی ترکیه نیز هست. از دولت ترکیه و ایران که به خاطر سرکوب جنبش های آزادیبخش خلق های خاورمیانه در پیمان مرکزی متحد شده اند البته انتظار دیگری نباید داشت. در اینجا سازمان امنیت ایران از مقامات امنیتی ترکیه میخواهد که ماهنامه توفان را جمع آوری کنند و مسلماً به آنها قول میدهند که اگر چنین وضعی برای ترکیه در ایران پیش آید به جبران این محبت مقامات امنیتی ترکیه همت کارند.

این امر همچنین حاکی از تاثیر مبارزات اصولی ماهنامه توفان است. اگر چنین نبود سازمان امنیت ایران و ترکیه به قتل کردن توفان دست نمیزدند. عده زیادی از دانشجویان ایرانی در ترکیه به تحصیل مشغولند. جمع کثیری از اصناف مختلف جامعه ایران یاد ترکیه اقامت دارند و یا با ترکیه در آمد و شد دارند. از اینجهت توفان در ترکیه دارای خوانندگان بسیار است. رژیم شاه که میکوشد محیط خارج از ایران را نیز برای مخالفان خود مانند داخل ایران محقق گرداند بخصوص به ترکیه توجه بیشتری دارد. البته رژیم شاه تاکنون در تمام کشورهای خارج مانند امریکا، انگلیس، آلمان و فرانسه و غیره به چنین تشبیهاتی عمل کرده است ولی تشبیهات مذکور در جایی به نتیجه مطلوب رژیم میرسد که رژیم ارتجاعی و عقب مانده ای مانند ترکیه داشته باشد. رژیم کی در اختناق و ترور افکار احمد رضاشاه در صحنه گیرد.

بدیهی است که قتل کردن روزنامه توفان از جانب مقامات امنیتی ترکیه در واقع تن دادن به نفوذ "برون مرزی" رژیم محمد رضاشاه است. تن دادن به تشبیهات رژیم محمد رضا شاه نیز در چهارچوب ضایع ارتجاع و امپریالیسم صورت میدهد. بدین خاطر صورت میدهد که رژیم ترکیه ماهنامه توفان و ضد خلقی دارد تقریباً به اندازه محمد رضاشاه در

قطعه نامه هیئت مرکزی سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان

ارتداد و خیانت عده ای از سران و کادرهای "سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور" به سازمان امنیت ایران از یکسو و رویزیونیست های حزب توده ایران از سوی دیگر فرصت جدیدی داد که مارکسیسم-لنینیسم و اندیشه مائو تسمه دوز و بطور کلی هرگونه فکر انقلابی را مورد حمله قرار دهند. بویژه رویزیونیست های حزب توده ایران ناجوانمردانه کوشیدند تا "سازمان انقلابی" را که بارها از طرف سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان افشا شده است بعنوان ظهور اندیشه مائو تسمه دوز در ایران جلوه گسازند و با این تزویر بر اندیشه تابناک مائو تسمه دوز که مارکسیسم-لنینیسم و ران ماست غبار شک و تردید بپاشند. کاروفاحت بجای کشید که در تبلیغات رویزیونیست های حزب توده ایران "مائوئیسم" یا تسلیم طلبی شرادی آورده شد.

سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان بارها ماهیت "سازمان انقلابی" و شیوه های فعالیت او را بر اسناد و کتبات مختلف مورد تحلیل قرار داده است. در این موضوع در جلسه تیرماه هیئت مرکزی سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان بمناسبت ارتداد و خیانت عده ای از سران و کادرهای "سازمان انقلابی" تجدید بحث بعمل آمد که بنتایج زیرین منتهی گردید:

- * تضاد مادر باره "سازمان انقلابی" مبتنی بر خیانت این عضو یا آن رهبر نیست. احتمال چنین خیانت هایی را در هیچ سازمانی نمیتوان منتفی انگاشت. تضاد مادر باره "سازمان انقلابی" از ماهیت خود او و وجوده کشتار و کشتار سرچشمه میکورد مابرتیکه سرگشت اخیر "سازمان انقلابی" سرگشتی تضاد ناکهانی و دورواز انتظار نیست بلکه نتیجه ناکر وجود آن است.
- * چگونگی تشکیل "سازمان انقلابی" بسیار صریح و سنجید است:

از نخستین روزهای که عده ای از کادرها و اعضای حزب توده ایران بمخالفت با اپورتونیسم و رویزیونیسم رهبری و دفاع از مارکسیسم-لنینیسم و اندیشه مائو تسمه دوز برخاستند رویزیونیست ها همانطور که در همه جا عمل کردند عده ای از دست آموزان خود را بپیمان آنها فرستادند و آنان جریان را در اختیار گرفته پسود رویزیونیسم گردانند. جلسه ای که بعد ها کشتار سول سازمان انقلابی نامیده شد بدست یکی از رویزیونیست های معروف و منبتوده ایران تشکیل یافت که بعد ها در پس پرده قرار گرفت.

بدیهی است که امپریالیسم و سازمان امنیت ایران نیز از اهمیت نهفت مارکسیستی-لنینیستی نوین غافل نبودند و در صدد برآمدند بجایابی برای خویش را این نهضت بیابند. سازمان انقلابی هم باشیوه های نابینجا خود شرایط مساعدی برای عمل امپریالیسم و سازمان امنیت فراهم آورد. زندگی این سازمان و بویژه خیانت های اخیر آشکار میسازد که فعالیت خرابکارانه امپریالیسم و سازمان امنیت در "سازمان انقلابی" قسریست موفقیت بوده است.

* "سازمان انقلابی" برنامه مارکسیستی-لنینیستی نداشته و هیچگاه از وحدت ایدئولوژیک برخوردار نشده. اسناد مختلفی که از طرف این سازمان انتشار یافته حاوی انواع انحرافات ضد مارکسیستی-لنینیستی است. در واقع این سازمان بسر مشی کا قسریستی-گوارستی بوجود آمد و علی رغم نظا هراتی که به پیروی از اندیشه مائو تسمه دوز داشتند نتوانستند و نخواهند به مارکسیسم-لنینیسم فرارند. روشن است که چنین سازمانی نمیتواند پرورنده ایمان و انضباط و فدائیکاری بقیده رصفه ۳

باردیگر دوباره مسئله ملی کردن های عراق

در روزهای که عید السلام عارف کور تا کرد و بدفشانه بو کشتار کمونیست ها و دموکرات های عراق پرداخت مصطفی بارزانی از جای تنبید و به عارف امکان داد که دیگباری خونین خود را پایه گذاری کند. باین امید که شاید از دولت عارف رشوه ای برای ظلمت کرد بدست آورد. با دولت های بعدی نیز پیوسته در تلاش چنین سازشی بود.

چندی پیش نماینده دولت عراق در پاریس آشکار ساخت که مصطفی بارزانی در ژوئن ۱۹۶۸ بمناسبت حمله راهزنان اسرائیل بر کشورهای عربی و پیروزی موقت بی بان دولت تبریک گفته بوده است. این اقدام مصطفی بارزانی بعید نیست زیرا که او برخوردار اسرائیل را با خلق های عرب مشابه برخوردار اقلیت ملی یا ملت حاکم مانند برخوردار ملت عرب در عراق تلقی میکند. در مبارزه بر ضد صهیونیسم و امپریالیسم همگامی نکرد داشت. در دورانی که بین حکومت محمد رضاشاه و دولت عبرانی اختلاف افتاد مصطفی بارزانی بر شاه ایران تکیه کرد و بنام مبارزه برای احراز حقوق ملی کرد در عراق از وی اسلحه گرفت. این مطلب را بارها جراید مختلف نوشته اند. شاه نیز در چرخه خبرنگار را بدو تلویزیون فرانسه آن را تایید کرده است. همین که مصطفی بارزانی در قیام کرد از تکیه بدولت هائی نظیر دولت عبدالسلام عارف و دولت ایران ابائی ندارد عمل او نه فقط در جهت انقلاب ملی و دموکراتیک نیست بلکه در سازشی با ضد انقلاب است.

چنین سیاستی ممکن است بتحصیل بقیده رصفه ۳

برخی از رفقا طی نامه هائی مقاله "پیروزی خلقی کرد در عراق" (مندرج در توفان شماره ۳۲) را مورد انتقاد قرار داده اند. انتقاد مذکور بر بحث دقیق قرار گرفت و علی الاصول صحیح تشخیص داده شد و اینک خلاصه آن از نظر خوانندگان گرامی میگرد. ضمناً از رفقای که فعلاً لانه در محاطت توفان شرکت میجویند و به پیوسته آن میاند بشند صمیمانه سپاسگزار می کنیم.

سازمان مارکسیستی-لنینیستی ما عقیده دارد که برای بدست آوردن حقوق ملی باید در درجه اول و قبل از هر چیز سلطه طبقه حاکمه را برانداخت و امپریالیسم را ریشه کن ساخت. "حل مسئله ملی تنها در صورت پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک بر رهبری طبقه کارگر... امکان پذیر است" (شماره ۲۰ توفان) "مسئله حقوق ملی یک موضوع متفرد و مستقل نبوده بلکه جزئیست است از مسئله کلی انقلاب پرلرانیائی. راین جزئی مطیع کلی بوده و از نقطه نظر کلی باید آن نگاه کرد." "مسئله ملی در عراق و ایران بشعب انقلاب این دو کشور قابل حل خواهند بود" (شماره ۱۴ توفان). ولی مقاله "پیروزی خلقی کرد در عراق" مسئله ملی کرد را در زمینه انقلاب ملی و دموکراتیک آن کشور قرار نداده است.

چنانکه میدانیم قیام پرکردن های عراق بر رهبری مصطفی بارزانی از روز نخست و در طی تمام نه سال مهارت بوده است از قیامی صرفاً ملی و جدا از انقلاب ملی و دموکراتیک کشور عراق. مصطفی بارزانی بارها اظهار داشته که حاضر است برای پیشرفت مسئله ملی کرد از هر جانب اسلحه بگیرد. خواه از شوروی و خواه از امریکا. این اظهار او بطور قسریستی و سازشکارانه است. بطور جدائی قیام کرد های عراق از مبارزه ضد امپریالیستی است.

پیروزی بارزانی دلیرانه خلق های هندو چین